روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ | ۱۷ رجب ۱۴۴۳ | ۱۹ فوریه ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۳۴۳۰ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۳ سال و ۱۲۶ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3430 | SAT.FEB.19, 2022 | ISSN:2008-2886

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با سیدمصطفی میرسلیم و اسماعیل کوثری درباره آزادسازی حریم رودخانه چالوس از تصرفات غیرمجاز

تفریح عمومی به‌جای لذت خصوصی!

صفحه ۴

تحلیل «وطن‌امروز» از منویات رهبر انقلاب پیرامون استمرار انقلاب اسلامی

نهضت زنده

صفحه ۵

انقلاب جاری

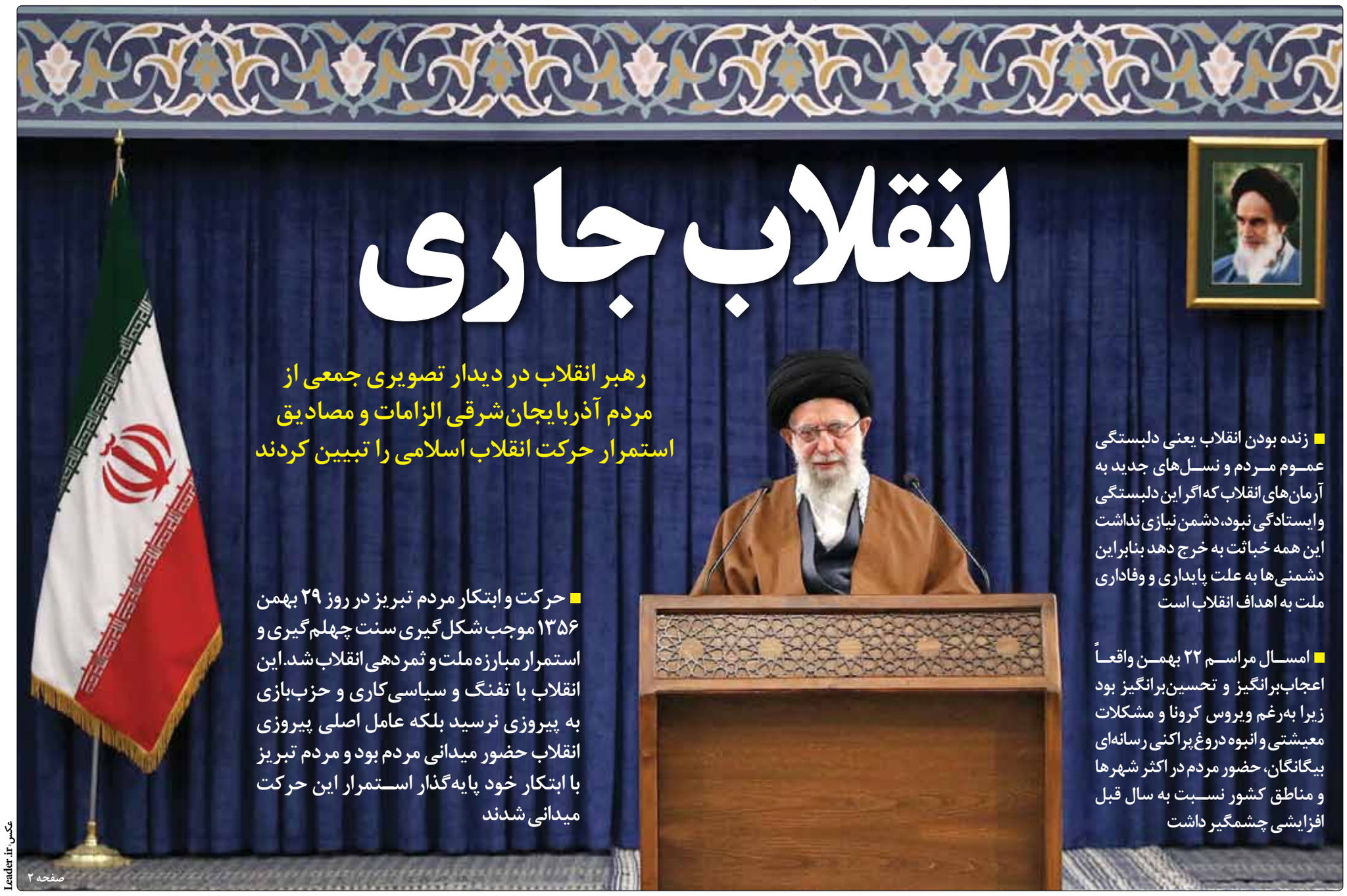

رهبر انقلاب در دیدار تصویری جمعی از مردم آذربایجان‌شرقی الزامات و مصادیق استمرار حرکت انقلاب اسلامی را تبیین کردند

■ زنده بودن انقلاب یعنی دلبستگی عموم مردم و نسل‌های جدید به آرمان‌های انقلاب که اگر این دلبستگی و ایستادگی نبود، دشمن نیازی نداشت این همه خباثت به خرج دهد بنابراین دشمنی‌ها به علت پایداری و وفاداری ملت به اهداف انقلاب است

■ امسال مراسم ۲۲ بهمن واقعاً اعجاب‌برانگیز و تحسین‌برانگیز بود زیرا به‌رغم ویروس کرونا و مشکلات معیشتی و انبوه دروغ پراکنی رسانه‌ای بیگانگان، حضور مردم در اکثر شهرها و مناطق کشور نسبت به سال قبل افزایشی چشمگیر داشت

■ حرکت و ابتکار مردم تبریز در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ موجب شکل‌گیری سنت چهلم‌گیری و استمرار مبارزه ملت و ثمردهی انقلاب شد. این انقلاب با تفنگ و سیاسی‌کاری و حزب‌بازی به پیروزی نرسید بلکه عامل اصلی پیروزی انقلاب حضور میدانی مردم بود و مردم تبریز با ابتکار خود پایه‌گذار استمرار این حرکت میدانی شدند

عکس: Leader.ir

صفحه ۲

تیترهای امروز

عملیات پهپادی موفقیت‌آمیز حزب‌الله بار دیگر ضعف شدید سامانه پدافندی رژیم صهیونیستی را آشکار کرد

آبروریزی گنبد آهنین

صفحه ۷

سازمان هواشناسی پیش‌بینی کرد

شروع اسفند با برف و باران

صفحه ۴

رئیس فدراسیون فوتبال با رأی قاطع هیأت رئیسه عزل شد

پایان عزیزی خادم

صفحه ۶

بررسی ظرفیت‌های اقتصادی ایران و قطر به بهانه سفر قریب‌الوقوع رئیسی به دوحه

فرصت همگرایی اقتصادی با قطر

■ توسعه میدان‌های مشترک گازی، همکاری در زمینه ترانزیت و سوآپ گازی و ظرفیت طلایی تجارت دوجانبه از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی تهران و دوحه است

صفحه ۳

نگاه

چرا سخنان سیدحسن نصرالله تل‌آویو را پریشان کرده است؟

کابوس بزرگ صهیونیست‌ها

نوید مومن: سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در جریان مراسم گرامیداشت یاد و خاطره فرماندهان شهید مقاومت، جمله‌ای را بیان کرد که صهیونیست‌ها تا این لحظه طاقت هضم آن را نداشته‌اند:

«حزب‌الله سال‌هاست می‌تواند موشک‌های خود را به موشک‌های نقطه‌زن تبدیل کند و نیازی به تأمین موشک‌های نقطه‌زن از ایران ندارد».

صورت‌مساله اکنون برای صهیونیست‌ها بیش از هر زمان دیگری مبهم است! سید مقاومت نه‌تنها قواعد نبرد با دشمن صهیونیست، بلکه زمین نبرد را نیز تغییر داده و تصویر جدیدی از این تقابل همه‌جانبه ارائه داده است. بر همگان مسلم است توانایی حزب‌الله در تولید موشک‌های نقطه‌زن و ایجاد و افزایش قابلیت تولید پهپادها توسط مقاومت لبنان، موازنه نبرد منطقه‌ای را به ضرر صهیونیست‌ها سنگین‌تر خواهد کرد. از سوی دیگر، در جریان نبرد سال ۲۰۲۱ میلادی میان حماس و رژیم اشغالگر قدس، مقاومت نشان داد دیگر بر خلاف موارد قبل، ملاحظه‌ای درباره هدف قرار دادن تل‌آویو و حیفا و عمق استراتژیک اراضی اشغالی ندارد. صهیونیست‌ها و دشمنان حزب‌الله، از یک سو بر اساس گزارش‌های سری خود می‌دانند حزب‌الله واقعا به این توانایی بزرگ و تعیین‌کننده دست پیدا کرده و از سوی دیگر، با افزایش تصاعدی قدرت بازدارندگی مقاومت اسلامی لبنان در برابر تل‌آویو، مواجه هستند.

نکته مهم‌تری که در این باره قابل تحلیل است، مربوط به درک بالا و عمیق سید مقاومت از مفهوم «نبرد ترکیبی» دشمنان و مصادیق آن است. رزمندگان حزب‌الله امروز نه‌تنها در عرصه نظامی- امنیتی، بلکه در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز قواعد نبرد با دشمن صهیونیستی را در هر ۲ عرصه آفندی و پدافندی بخوبی آموخته‌اند. امروز مفهومی به نام «مقاومت همه‌جانبه» یا همان «مقاومت فعال»، ناظر بر جنگ ترکیبی صهیونیست‌ها علیه حزب‌الله تبلور یافته و روزبه‌روز ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. علامه سیدحسن نصرالله در چهاردهمین سالگرد پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه (سال ۲۰۲۰ میلادی) نیز در سخنرانی بسیار مهم خود بر لزوم «جهاد اقتصادی و صنعتی» در کنار «جهاد نظامی» در برابر دشمنان قسم‌خورده منطقه تاکید کرد.

صهیونیست‌ها در رمزگشایی سخنان اخیر سید مقاومت، با ۳ گزاره راهبردی مواجه شده‌اند: **یک-** حزب‌الله لبنان بخوبی ماهیت جنگ و ابعاد جنگ ترکیبی تل‌آویو و حامیان غربی و مهره‌های منطقه‌ای آن را مورد رصد و تحلیل قرار داده است.

ادامه در صفحه ۶

کتاب

نگاهی به کتاب «جنگ شناختی»

برای نبرد ذهن‌ها

امیر فرشباف: جنگ نرم و شئون و شقوق آن مانند عملیات روانی، ادراک‌سازی رسانه‌ای، گفتمان‌سازی و تحمیل روایت برساخته و در کل، هر کنش مربوط به نحوه پدیدار شدن واقعیت یا تصاویر آن در ذهنیت انسان که در نهایت منجر به پذیرش یک باور یا عدم پذیرش آن می‌شود، اموری هستند که عمیقا در برساخت حیات عملی انسان -از زندگی فردی تا زیست اجتماعی و سیاسی ما- فاعلیت و نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. نکته دیگر اینکه این جنگ نرم مانند جنگ سخت، دارای ماهیتی تخاصمی است از همین رو، دارای میدان و زمین بازی، هدف یا اهداف و ابزار یا ابزارهایی است که در نسبت با یکدیگر معنا می‌یابند. با تمام اهمیت و نقش بنیادینی که رسانه‌ها در برساخت حقیقت و تعیین جهات حیات انسانی دارند، کمتر کسی است که بدون غرق شدن در دریای زیست رسانه‌ای، زحمت رفتن به ماورای این دریا و تفکر مستقل درباره خود آن را به خود داده باشد. کتاب «جنگ شناختی؛ علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها» تألیف حمیدرضا مقدم‌فر و ابراهیم محسنی‌آهویی سعی دارد با عبور از حصار زیست مجازی و استقرار در یک موضع راهبردی مشرف بر آن، در حد توان به کشف ماهیت، ابزارها، راهبردها، روش‌ها، هدف‌ها و میدان‌های آن بپردازد.

«جنگ شناختی» را می‌توان اثری صورت‌گرا (Formal) دانست که تلاش دارد فرم‌ها، ساختارها و شیوه‌های بازنمایی واقعیت و برساخت رسانه‌ای آن در دنیای کنونی را به مخاطب آموزش دهد و از همین جهت، می‌توان آن را اثری آموزشی ـ پژوهشی دانست که غایتش نوعی ایمنی‌بخشی شناختی و روانی به خواننده است. این کتاب مبتنی بر یک مقدمه و هشت فصل و یک واژه‌نامه تخصصی برای راهنمایی مخاطب است که در این نوشتار به معرفی و توصیف مختصر آموزه‌های مندرج در فصول هشت‌گانه این کتاب پرداخته خواهد شد.

فصل یکم: این فصل به دلیل جایگاهی که در تقریر مطالب کتاب دارد، مشتمل بر برخی مبادی و اصولی است که بر این دانش مترتب می‌شوند؛ ازجمله سیر تاریخی تحول این علم یا رشته علمی، تعریف برخی مفاهیم، به‌علاوه رویکردهای پنجگانه آن.

این فصل با یک آینده‌پژوهی درباره سرنوشت علوم شناختی به پایان می‌رسد که نویسندگان آن معتقدند «مشخص نیست توسعه علوم شناختی در آینده چگونه خواهد بود اما قطعاً می‌توان انتظار داشت امور بسیاری در زمینه الگوسازی و شبیه‌سازی انجام خواهد شد که ما را به سمت تولید ذهن و هوش مصنوعی سوق می‌دهد و همچنین افزایش مطالعات با هدف درک مکانیسم‌های عصبی شناخت از طریق توسعه بیشتر علوم عصب‌شناسی شناختی افزایش خواهد یافت».

فصل دوم: فصل دوم، متضمن جنبه‌های راهبردی جنگ شناختی است که با یک دیرینه‌شناسی اجمالی آغاز می‌شود و در ادامه به محورهای برسازنده ماهیت و چیستی جنگ شناختی یعنی محوریت ادراک در نبرد ذهن‌ها و قابلیت محاسبه و برنامه‌ریزی دقیق در میدان نبرد می‌رسد. نقش و جایگاه قدرت‌های سخت و نرم و نسبتی که در عالم واقع دارند و آثاری که بر این نسبت مترتب می‌شوند، موضوع بعدی این فصل است. یکی از مفاهیم بنیادی که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد، مفهوم آگاهی و جایگاه آن در جنگ ادراکی است. همچنین در این فصل نیز مانند فصل قبل یک آینده‌پژوهی پیرامون اهمیت جنگ شناختی در نبردهای آینده صورت گرفته است که در بخشی از آن آمده است: «اولین تأثیر مهم جنگ شناختی در محو تمایز میان دوران جنگ و دوران صلح است. در نهایت، این محو شدن رخ می‌دهد؛ زیرا جنگ شناختی باید پیوسته در حال انجام باشد تا مؤثر شود. حتی اگر روابط دوستانه شود، کشورها با استفاده از جنگ شناختی می‌توانند اطلاعاتی را درباره رهبری دشمن، درک سیستم دشمن و شکل‌گیری نگرش تصمیم‌گیرهای اساسی آن جمع‌آوری کنند. همان‌طور که امروز نیز چنین است؛ برخی ابزارها مانند عملیات شبکه رایانه‌ای و شاید عملیات شکل‌دهنده متمرکزتر و عمدی‌تر استفاده می‌شوند. این فعالیت‌های شکل‌دهنده تاتامتنوع هستند و می‌توانند مواردی از قبیل جلوگیری از صعود رهبران غیرقابل کنترل در دستیابی به قدرت، بورسیه‌های هدفمند یا فرصت‌های مشروط تجاری باشند».

فصل سوم: این فصل نیز مانند فصل دوم از بخش‌های مهم و خواندنی این کتاب است که با محوریت و مرکزیت «مدیریت ادراک» پرداخته شده است. ابتدای آن با بحث درباره مبانی نظری مدیریت ادراک آغاز می‌شود و در ادامه - صرف‌نظر از تعریف مدیریت ادراک و تحلیل مبانی نظری آن- به سرفصل‌های نه‌گانه بعدی مرتبط با بحث مدیریت ادراک می‌پردازد. از جمله این سرفصل‌ها موارد ذیل است: ارکان مدیریت ادراک، اهداف مدیریت ادراک، ابزارهای مدیریت ادراک، مراحل مدیریت ادراک، اصول عملیاتی مدیریت ادراک، رسانه و مدیریت ادراک، چالش‌های اصلی مدیریت ادراک، عوامل آسیب‌پذیری مدیریت ادراک و کنترل امر مرئی و نامرئی در مدیریت ادراک.

نویسندگان در بخش «مبانی نظری مدیریت ادراک» با استناد به کتاب «پدیدارشناسی ادراک» موریس مرلوپونتی، فیلسوف فرانسوی معتقدند «معنی» لزوما توسط آگاهی ایجاد نمی‌شود، بلکه با ارتباط مداوم ما با جهان بویژه از طریق بدن حادث می‌شود.

فصل چهارم: این فصل دربردارنده مدعیاتی درباره نسبت علوم و جنگ شناختی با اسلام و آموزه‌های اسلامی و فضای زیست علمی مسلمانان است؛ از جمله سرفصل‌های مهم این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره

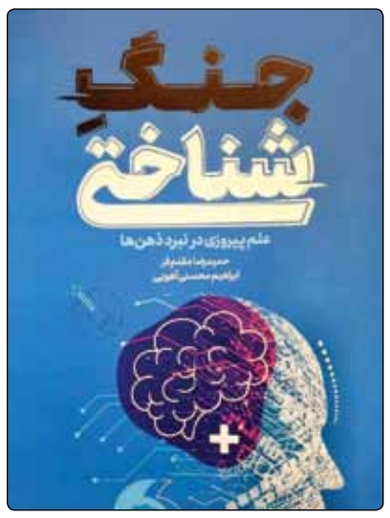

کرد: تمدن اسلامی به عنوان مبدأ علوم شناختی، جنگ به‌مثابه خدعه (تدبیر) و جنگ شناختی و مدیریت ادراک در آیات و روایات.

در این فصل استناداتی به متون دینی و وقایع تاریخی صورت می‌گیرد و میان محتوای آنها با اصول مورد نظر کتاب به طور تطبیقی بحث می‌شود. در ابتدای بحث «جنگ شناختی و مدیریت ادراک در آیات و روایات» درباره هدف این بخش آمده است: «در قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام(ص)، آیات و روایات متعددی درباره نبردهای صدر اسلام و در زمان حیات پیامبر وجود دارد... . هدف ما در اینجا تفسیر متن مقدس قرآن کریم و نیز روایات و سیره نیست. همچنین، هدف ما در اینجا تحلیل همه مواردی از آیات و روایات نیست که مرتبط با مقوله جنگ شناختی و مدیریت ادراک باشد. مقصود از مطالب پیش رو اثبات این دیدگاه است که این ۲ مقوله موضوعاتی تاریخمند هستند و اشاره به جنبه‌های متکثر آن در قرآن کریم نیز در ارتباط با نبردهای صدر اسلام است».

فصل پنجم: این بخش متشکل از ۵ سرفصل کلی است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. نخستین باب این فصل به همگرایی عرصه‌های سیاسی، نظامی و رسانه‌ای و تحول آثار ادراکی و شناختی این همگرایی می‌پردازد. در بخشی از قسمت اخیر، پس از اشاره به زمینه تاریخی عملیات روانی مبتنی بر فریب و تبلیغات آمده است: «... با این حال، در زمانه ما، همگرایی فناوری و حوزه‌های سیاسی و نظامی باعث ایجاد اثرات شناختی غیرمترقبه از طریق رسانه‌های اجتماعی در عرصه سیاسی شده است که ماهیتی متفاوت از جنگ اطلاعاتی کلاسیک دارد، چراکه جنگ شناختی در دوره جدید به دنبال این نیست که لزوما عقاید را تغییر دهد، بلکه بیش از همه در صدد تضعیف اعتماد به نهادهای متعارف، ایجاد ترس و تردید و القای حس بی‌تدبیری است که به دشمن این فرصت را می‌دهد تا بتواند از طریق قرار دادن جبهه مخالف در برابر عمل انجام شده، به اهداف خود برسد».

تحلیل جایگاه عصب‌شناسی در جنگ ادراکی، مدل‌سازی شناختی و اقسام تخصصی آن، هوش مصنوعی و نقش آن در جنگ شناختی و نهایتاً نگاهی به علوم و فناوری‌های همگرا در جنگ شناختی، سرفصل‌های دیگر این بخش هستند که دلالت بر وجوه ابزاری نبرد ادراکی دارند.

فصل ششم: فصل ششم نیز مشتمل بر ۵ سرفصل است: چگونگی اداره حوزه شناختی، آگاهی موقعیتی در حوزه شناختی، محوریت نفوذ در بازدارندگی، همگام‌سازی حمله مشترک بین پیام و تحرک نظامی و «هم‌افزایی» به عنوان محصول هماهنگی.

کلیدواژه و مفهوم محوری این فصل مفهوم «هم‌افزایی» است؛ نویسندگان در بخش پایانی این فصل درباره نقش هماهنگی و هم‌افزایی در جنگ ادراکی نوشته‌اند: «پیروزمندان جنگ شناختی آنهایی هستند که تمرکز اصلی فعالیت عملیات را بر هماهنگی و هم‌افزایی گذاشته باشند، از این رو، هم‌افزایی را باید فرامتغیر اصلی جنگ شناختی دانست اما مشکل این است که حوزه جنگ شناختی حوزه‌ای متجانس و یکدست نیست، زیرا افراد مختلف، امور یکسان را به روش‌های مختلف درک می‌کنند... . استفاده از حوزه شناختی و متجانس ساختن آن با قدرت سخت، جوهر جنگ شناختی است. گسترش فناوری تلفن‌های همراه و هوشمند به اضافه رسانه‌های اجتماعی، محیطی را ایجاد کرده و فرصت‌هایی را ارائه داده است که همزمان می‌تواند از سوی نیروی خودی مورد استفاده مطلوب و هدفمند و از سوی دشمن مورد سوءاستفاده قرار گیرد».

فصل هفتم: این فصل متکفل بحث از جنبه‌های ماتقدم و پیشینی افکار آدمی و در یک کلام، تاریخمندی فهم انسان و نقش این پیش‌فهم‌های تاریخی در جنگ شناختی است. نویسندگان در همان ابتدای فصل (قالب‌دهی؛ سامان جهان از خلال مفاهیم) می‌نویسند: «ممکن است باورپذیر به نظر نرسد اما تمام نگرش‌های ما نسبت به خود، دیگری و جهان، نسبت به امور مطلوب و نامطلوب، یا رفتار و کنش ما در موقعیت، محصول سطوحی متکثر از ترکیب‌بندی‌های نهادینه شده و تاریخمند است. به این ترتیب ترکیب‌بندی ساحت ایدئولوژیک دارد که می‌توان و باید سایه مسلط آن را بر همه چیز مشاهده کرد».

رویکرد [مکتب] انتقادی به قالب‌دهی، نبردهای قالب‌دهی، اهداف قالب‌دهی، فرصت‌های قالب‌دهی و زمینه قالب‌دهی مباحثی هستند که حول محور نقش پیش‌فرض‌ها و زمینه‌های تکوین آن در جنگ شناختی می‌چرخند.

فصل هشتم: خواندنی‌ترین و کاربردی‌ترین فصل کتاب، فصل هشتم و پایانی است. این فصل عهده‌دار تبیین شئون و شقوق مختلف عملیات روانی از جمله این موارد است: استفاده مخرب از اطلاعات و اقسام آن (مانند دستکاری، جعل هویت و...)، تسلیح رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای آن، تفرقه در بیرون، انسجام در داخل، مقابله با براندازی برخط و ابزارهای آن و در نهایت بازخوانی و بررسی اصول پیشنهادی برای سیاست عمومی.

نویسندگان در بخش مربوط به عملیات «سوءاطلاعات» (Disinformation) به تعریف این پروسه عملیات روانی و احصا و تحلیل مراحل پنجگانه اجرای آن یعنی هدف‌گذاری، تولید محتوا، انتشار، تقویت و ایجاد آشفتگی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه در تعریف آن نوشته‌اند: «کمپین‌های سوءاطلاعات برای ایجاد اختلال در تصمیم‌گیری، فرسایش انسجام اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از سوی دشمنان خصوصاً در بحبوحه کشمکش‌های درونی یا بین کشورها طراحی می‌شود. تاکتیک‌های عملیات اطلاعات شامل جمع‌آوری اطلاعات درباره اهداف خاص، توسعه روایت‌های تهاجمی و غالبا و عمدا جعلی و انتشار سیستماتیک در کانال‌های اجتماعی و سنتی است. دولت‌ها با استفاده از چنین تاکتیک‌هایی تصویری به کلی متفاوت از کشورها، سازمان‌ها و افراد می‌سازند و به این ترتیب، به مشروعیت کشور متخاصم در سطح بین‌المللی لطمه می‌زنند».

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz